



۲۰۲۰/۰۶/۲۰



احسان الله مایار

صفحه ای از تاریخ

قسمت دوم

این قسمت مربوط به تماس های فعالان رژیم خلق و پرچم و همکاران غیر حزبی شان با افغان هائیکه خارج از کشور علیه نظام مردود حاکم در میهن مبارزه می نمودند، اختصاص یافته است. همکاران غیر حزبی و همچنان اشخاص مربوط به نظام با دوستان آزادیخواه ما در تماس بوده، سعی می شد تا از طریق مفاهمه راه حل سیاسی بمنظور ختم جنگ و تباهی در کشور میسر گردیده بتواند.

اینک یکی از یادداشت های را که از اثر مولف زیر عنوان "قیام ملت افغان" اقتباس شده از نظر بگذرانید:

۱۹۸۷ - ۱۰ - ۲۶

امروز انجنیر سید امان الدین امین، معاون صدراعظم رژیم کابل از فرانکفورت برایم تلفون کرد و بعد از صحبت مختصر از من خواهش کرد تا با هم ببینیم. نمره تلفونش را گرفتم و قرار شد که ظرف دو ساعت برایش احوال بدهم.

(یاد آوری: انجنیر امین یکی از فارغ التحصیلان مکتب عالی نجات بوده و زمانی هم در نساجی کابل وظیفه داشت و از آن وقت باینطرف با هم آشنایی داریم.)

با داکتر محمد یوسف تلفونی تماس گرفتم و نظرش را در باره تلفون امین خواستم. داکتر برایم مشوره داد تا با امین ببینم اما بیشتر سعی کنم از او بشنوم تا اینکه خود چیزی بگویم و همچنان نباید "جمعیت تحکیم وحدت، اسولا" را برایش يك ارگان بزرگ سیاسی معرفی بدارم.

با امین تماس گرفتم و قرار شد تا امروز ساعت ۱۶،۰۰ در قهوه خانه کرانسلر در مرکز شهر فرانکفورت با هم ببینیم.

در وقت معین پس از سال ها با هم دیدیم. وی در رأس يك هیئت نه نفری، که هیچ کدام شان حزبی نمی باشد، با دعوت حکومت پولند و بلغاریا به اروپا سفر کرده و در عین حال در نظر دارد به ارتباط پروسه آشتی ملی به گونه ای سهم داشته باشد که به نفع مردم و مملکت باشد. وی آرزو دارد که اتحاد شوروی قوای خود را از افغانستان بیرون بکشد و افغان ها تسهیلات لازمه را برای بیرون کشیدن قوای شوروی میسر سازند.

امین اظهار داشت که وی معتقد است در راه حل بحران افغانستان کسیکه میتواند طرف اعتماد مردم، رژیم کابل و اتحاد شوروی قرار بگیرد تنها محمد ظاهر شاه میباشد و شما ها که در محور وی فعالیت دارید میتوانید در این پروسه ملی سهم بارزی داشته باشید.

امین گفت طوریکه از يك منبع موثق اطلاع دارد اتحاد شوروی در نظر دارد در طول مدت دو سال قوای خود را از افغانستان بیرون کشد و بعد از آن اداره کشور به دست افغانها انتقال می یابد.

امین نسخه مد نظرش را چنین مطرح کرد که: نظام آینده افغانستان میتواند تنها در يك چوکات وسیع ائتلافی که در آن رهبران تنظیمها، محمد ظاهر شاه و همکارانش با ارگان موجوده کابل اشتراک داشته باشند، يك صلح دائمی را به نفع مردم افغانستان و تمامیت کشور بار آورد. وی اضافه کرد در صورتیکه يك تعداد از رهبران بنیادگرا نخواهند به چنین ائتلاف موافقه کنند در آنصورت وی پیشنهاد میکند که اعلیحضرت محمد ظاهر شاه با اشتراک رهبران سه تنظیم موید جبهه متحد و همفکران این نهضت باب مذاکرات را با کابل باز کنند. وی متیقن است زمانیکه خیر این تماسها به زبان ها بیافتد، رهبران مخالف نیز برای اینکه از صحنه دور نمانند راه اتحاد را با اعلیحضرت ترجیح خواهند داد. اگر با این طرز دید که مختصراً ارائه شد موافقت بوجود آمده بتواند وی حاضر است تا بین کابل و قوای مقاومت و وظیفه میانجی را بعهده بگیرد و راه دیدار و مذاکره را باز نماید.

امین گفت که در ساختار پروسه آشتی ملی وی وظیفه معاون و سکرتریت کمیته را به عهده داشته و یکنفر بنام عبدالرحیم هاتف از قندهار وظیفه ریاست آنرا دارد.

بعد شنیدن نظر امین راجع به وضع گروه خلق و پرچم و همچنان از چگونگی وضع اجتماعی کشور به شمول صنایع و تولیدات معلومات خواستم که چنین گفت :

- گروه خلق و پرچم تا اندازه ای منسجم شده اما در بین شان هنوز زد و خورد وجود دارد .
- سلطانعلی کشتمند که هزاره و شیعه است در بین کابینه و حزب موفق قوی دارد.
- فابریکه نساجی گلبهار با ظرفیت ۴۰ - ۵۰ % و توسط برق تولیدی خود فابریکه فعال است.
- در شمال کشور سطح تولید پخته متناسب ضرورت داخلی نزول کرده و نسبت عدم نسبی گوسفنداری تولید پشم تقریباً وجود ندارد.
- صادرات گاز به شوروی سالانه ۲،۰۰۰ الی ۲،۵۰۰ میلیارد متر مکعب است و فشار عمومی فوران گاز در بین چاه های گاز پائین آمده
- شهر های بزرگ مانند مزار شریف، قندهار و هرات را که خودش دیده است از شناخت بر آمده و اکثراً تخریب شده است.

بعد از فراهم آوری معلومات و صحبت فرعی، در این مدت از وقت استفاده کرده نظر خود را طور نسبی منسجم ساختم، به صحبت و پیشنهاد اولیش اشاره کرده مستقیماً از وی سوال کردم که نتیجه گیری ابتدایی من طوریبست که خودت از جانب کابل وظیفه داری تا در تطبیق و موفقیت " آشتی ملی " رژیم کابل در بین قشر روشنفکر افغان که با رژیم مخالفت دارند جد و جهد کنی و اگر چنین نباشد لطفاً مرا اصطلاح کن . امین مختصراً گفت که در نتیجه گیری خود اشتباه نکرده ام.

بعد از آن برایش گفتم که من در حال حاضر نظر خود را که با دوستان هم آهنگی دارد و میتوان آنرا جنبه عمومی داد برایت توضیح میدهم و برای اینکه در آینده مشکلی رخ ندهد يك بار دیگر با هم می بینیم و اگر دوستان نظر بیشتر و یا خاصی داشتند برایت ابلاغ میدارم.

نظر من طور بیست که رهبران فعلی رژیم کابل و اسلاف شان در برابر وطن و مردم خود مرتکب گناه های عظیمی شده اند که نمیتوان آنها را فراموش کرد. این گناه ها را میتوان بدون کدام مشکل بنام جنایت در برابر انسان های بیگناه افغان توجیه کرد.

تا جائیکه بنده با شخصیت های بزرگ ملی مقاومت افغانستان تماس دارم برایت گفته میتوانم که هیچ يك از آنها حاضر نخواهد شد راه تك روی را برای خود انتخاب کند و بر خلاف مردم مجاهد افغان عملی اجرا کند که از دید اکثریت ملت مسلمان و وطن دوست افغان قابل عفو نباشد. پروسه آشتی ملی به تنهایی خود مفهومی ندارد بلکه ایجاب میکند که دوستان يك طرح بزرگی را که فراگیر حل تمام بحران در کشور باشد رویدست بگیرند که در این طرح میتوان " آشتی ملی" يك بخش آن باشد. در صورتیکه ملت افغان که فعلاً اکثریت قاطع شان بر ضد رژیم غاصب حقوق اولی انسانی میجنگد و برای آزادی کشور خود قربانی میدهند متقاعد گردیدند که چنین طرح پیشنهاد شده رژیم کابل خواسته های شانرا بر آورده میتواند، در آن صورت رهبران جهادی و مقاومت در چوکات يك میکانیزم سالم مانند "جبهه متحد افغانستان" که اعلیحضرت محمد ظاهر شاه مقام خاصی در آن دارد با حلقه همفکرانش قدمی خواهد گذاشت که به نفع مردم و نجات وطن ما انجام یابد.

برای امین گفتم که من نظرش را تأیید میکنم که قوای اشغالگر شوروی از افغانستان بیرون میروند و پیشگویی کرده نمیتوانم که بعد از آن در افغانستان چه حالت حاکم خواهد شد، پس بهتر است که در باره حل این معضله نیک بیاندیشیم.

در ختم صحبت که بیش از سه و نیم ساعت را در بر گفت با هم قرار گذاشتیم که قبل از بازگشتش به افغانستان، ۳ نومبر، با هم ببینیم و اگر کدام مطلب نوی داشتیم در باره با هم صحبت میکنیم.

امین را در منزل یکی از دوستانش در شتربزیمن الی ۶۵ ، ۶۵ Stresemamm Allee رساندم . وی فردا به هامبورگ میرود. حین پایان شدن از موتر از من خواست اگر برایش امکان صحبتی را با داکتر محمد یوسف میسر گردانم با خوشی میخواید از آن استفاده کند. وعده کردم که پیغامش را به داکتر میرسانم.

۱۹۸۷ - ۱۰ - ۲۷

حسب وعده ساعت ۱۰,۰۰ منزل داکتر محمد یوسف در نیویورک.

از صحبت دیروزی خود با انجنیر امین ، معاون صدراعظم رژیم کابل، برای داکتر گزارش دادم. داکتر محمد یوسف بعد شنیدن گزارش اظهار داشت: کار گردانان رژیم خلق و پرچم مردمان ملحد و خاین های هستند که در کشور افغانها قوای اتحاد شوروی را آوردند که باعث تباهی مردم بیگناه افغان و تمامیت افغانستان شده اند و این اشخاص در برابر مردم افغان مسئول هستند و بر علاوه از این اشخاصیکه بنام مردمان بیطرف با ایشان همکاری میکنند در خیانت با آنها شریک هستند، زیرا این اشخاص برای بقا و استقرار نظام و اشخاص مسئول در برابر جامعه افغانستان، خدمت میکنند. بعد از مقدمه داکتر محمد یوسف اظهار داشت که امروز باید در جستجوی راه نجات افغانستان باشیم و با وجود آنکه بالای ما سخت تمام شود باید مانند زهر آنها فرو ببریم. داکتر بمن وظیفه داد برای انجنیر امین پیغامش را برسانم که ما حاضریم در " شورای موسسان جبهه متحد" برای رژیم کابل بنام يك اقلیت چند چوکی محدود در دسترس شان بگذاریم تا در آنجا آن اعضای احزاب که متهم به کشتار مردم نباشند سهم گرفته بتوانند. در این جرگه که مظهر اراده مردم تمثیل میگردد، مرجع فیصله کننده خواهند بود که هر فرد ملت افغانستان از آن اطاعت خواهد کرد. داکتر محمد یوسف در تدویر این جرگه تعداد

مشترکین را به ۴۰٪ نمایندگان مجاهدین ۴۰٪ مردمان بیطرف و ۲۰٪ از رژیم کابل توضیح کرد. در این جرگه در باره تشکیل حکومت انتقالی برای مدت ۲ - الی ۳ سال فیصله خواهد شد که در آن زعیم کشور نیز مشخص خواهد گردید. البته چنین عملیه رویدست گرفته شده نمیتواند تا زمان بیرون بر آمدن قوای شوروی از افغانستان و تعیین مدت آن تضمین نشده باشد. همچنان رژیم فعلی کابل باید تعهد کند و این تعهد شان از طرف اتحاد شوروی تضمین گردد که بعد بیرون شدن قوای شوروی از افغانستان حکومت انتقالی مصوبه جرگه عنعنوی افغانها جانشین حکومت فعلی میگردد.

روی این مطالب بحث بیشتر کردیم و قرار شد تا بروز دوشنبه با انجنیر امین در منزل داکتر با هم ببینیم. ضمن این صحبت داکتر محمد یوسف گفت که دو ماه قبل داکتر جلیل شمس نظر به هدایت روم به کابل رفته و با نجیب دیده اما وی از محتویات مذاکراتش با کابل اطلاعی ندارد. داکتر علاوه کرد برای اینکه برای ما واضح شده بتواند که تک و دو انجنیر امین را جدی گرفته بتوانیم بهتر است او را امتحان کنیم که تا کدام اندازه مورد اعتماد داکتر نجیب میباشد. برایم وظیفه داد تا به امین بگویم که در بین افغانها افواه است که یک نفر از اروپا به کابل آمده و با داکتر نجیب مذاکراتی انجام داده آیا حقیقت دارد و یاخیر؟ اگر نجیب از سفر داکتر شمس یاد نماید و معلومات بدهد در آنصورت میتوان اطمینان حاصل کرد که امین مورد اعتماد نجیب است و میتوان با وی جدی صحبت کرد و در غیر آن شاید امین میخواهد برای نفع آینده خود فعالیت کند که برای افغانستان و ما دلچسپ نیست.

۱۹۸۷ - ۱۱ - ۱

اول صبح داکتر محمد یوسف تلفون کرد و گفت بهتر است با انجنیر امین نبیند اما من وظیفه رابطه را بین شان انجام دهم که بعد از کمی صحبت با این نظرش موافقت کردم. با امین در منزل دوستش در فرانکفورت تلفونی تماس گرفتیم و او را برای طعام شب در یک رستوران دعوت کردم.

ساعت ۱۹،۰۰ با انجنیر امین دیدم و در شهر زیبای کرونبورگ، Kronberg در یک رستوران معتبر رفتیم. نظر داکتر محمد یوسف را در باره حزب خلق و پرچم و همکاری اشخاص بیطرف مانند خودش را برایش گفتم. در مورد همکاری اشخاص بیطرف سعی کرد تا از خود و دیگران دفاع کند لیکن دلایلش برهان نداشته و قناعتم را حاصل کرده نتوانست.

در مورد اینکه چگونه میتواند این رول میانجیگری را به نفع مردم افغان انجام دهد مشوره کردیم و به نحوی به وی فهماندم که باید نزد خودش این اطمینان حاصل شود که نجیب به وی اعتماد داشته و او را از خود می داند یاخیر. برای تحصیل این اطمینان، نجیب را آزمایش کند، ساده ترین راه این است که از نجیب در باره سفر یک تعداد اشخاص از اروپا به کابل سوال کند.

از هر کنج و کناریکه با وی صحبت کردم معلوم شد که وی از سفر داکتر شمس به کابل اطلاع ندارد. احتمال دارد که امین در جستجوی طریقی است که از آن بتواند برای خود موقعیت خاصی در دستگاه رژیم بدست آورد و به سقوط رژیم اعتماد نداشته بلکه در چوکات یک ائتلاف عمر آنرا طولانی تصور میکند. بهر صورت این احتمالات است که نمیتوان برآن حساب کرد. با هم قرار گذاشتیم که از کابل با من به تماس شود.

ادامه دارد